



4540

٢٧١٢

دانشگاه تربیت معلم

موضوع

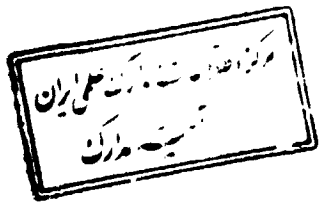
تأیید الواحد و جایگاه آن در فلسفه اسلام

نگارش

عسیر، سرمدیج

آبان ۱۳۷۸

۲۷۱۱۲

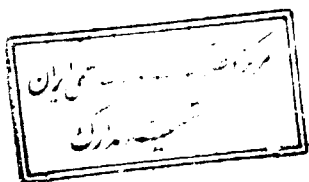


**تقدیم به :**

**همسر و فرزندم به پاس شکیبائی و صبرشان**

**تقدیم به :**

**همه فرهیختگان عرصه فکر و اندیشه**



فهرست مطالب

|       |       |   |
|-------|-------|---|
| الف-۲ | ..... | مقدمه   |
| ۱     |       | <b>بخش اول - سیر تاریخی قاعده الواحد</b>      |
| ۲-۱۹  | ..... | فصل اول - پیشینه قاعده قبل از فیلسوفان مسلمان |
| ۵-۷   | ..... | - نو فیثاغوریان                               |
| ۷-۸   | ..... | - فیلون                                       |
| ۸-۱۳  | ..... | - نو افلاطونیان                               |
| ۱۴-۱۸ | ..... | فهرست منابع این فصل                           |
| ۱۹    | ..... | فصل دوم - پیشینه قاعده در جهان اسلام          |
|       |       | <b>الف) فلاسفه اسلامی</b>                     |
| ۱۹-۲۱ | ..... | ۱- فارابی                                     |
| ۲۱-۲۳ | ..... | ۲- اخوان الصفا                                |
| ۲۴    | ..... | ۳- ابن سینا                                   |
| ۲۵-۲۷ | ..... | ۴- ابن رشد                                    |
| ۲۷-۲۸ | ..... | ۵- سهروردی                                    |
| ۲۸-۲۹ | ..... | ۶- خواجه نصیر الدین طوسی                      |
| ۲۹-۳۱ | ..... | ۷- ملاصدرا                                    |

## ۸- حکمای پس از ملاصدرا

- ۳۱ ..... - ملاهادی سبزواری
- ۳۱ ..... - ملا محسن فیض کاشانی
- ۳۱-۳۲ ..... - ملا رجعی تبریزی
- ۳۲ ..... - ملا نعیم طالقانی
- ۳۳ ..... - علامه طباطبائی

## ب- متکلمین اسلامی

- ۳۴-۳۵ ..... ۱- غزالی
- ۳۵-۳۶ ..... ۲- فخر رازی
- ۳۶-۳۷ ..... ۳- کاتبی قزوینی
- ۳۷-۳۹ ..... ۴- خواجه نصیر
- ۳۹-۴۰ ..... ۵- لاهیجی
- ..... ۶- متکلمین اسماعیلی
- ۴۱-۴۵ ..... - حمید الدین کرمانی
- ۴۵-۴۶ ..... - ابویعقوب سجستانی
- ۴۶-۴۸ ..... - ناصر خسرو قبادیانی

## ج) عرفا

- ۴۹ ..... ۱- عین القضاة همدانی

۵۰ ..... ۲- ابن عربی

۵۱ ..... ۳- صدرالدین قونوی

۵۲ ..... ۴- قیصری

۵۳-۵۴ ..... ۵- سید حیدر آملی

۶۷-۵۵ ..... فهرست منابع این فصل

۶۸-۱۵۳ ..... بخش دوم - بررسی قاعده الواحد

فصل اول - بررسی مفردات قاعده

۶۹-۷۰ ..... ۱- مفهوم وحدت و کثرت مستغنی از تعریف حقیقی هستند

۷۰-۷۳ ..... ۲- وحدت و کثرت از معقولات ثانیه فلسفی اند

۷۳-۷۷ ..... ۳- تقابل بین وحدت و کثرت

۷۷-۷۹ ..... ۴- اقسام واحد

۷۹-۸۰ ..... ۵- وحدت حق تعالی

۸۰-۸۱ ..... ۶- فرق بین واحد و احد

۸۲-۸۶ ..... ۷- مقصود از واحد در موضوع و محمول این قاعده

..... ۸- معنای صدور

۸۶ ..... - نظر بوعلی

۸۷ ..... - خواجه نصیر

۸۷-۸۸ ..... - میرداماد

|         |   |
|---------|---|
| ۸۸-۸۹   | ..... ملا صدرا  |
| ۹۰      | ..... ۹- مجرای قاعده در جانب علت و فاعل                       |
| ۹۱-۹۲   | فصل دوم) نظر بعضی از حکما در مورد بداهت قاعده                 |
| ۹۳-۹۹   | ..... فصل سوم) براهین قاعده                                   |
| ۱۰۵-۱۰۰ | ..... فهرست منابع سه فصل گذشته                                |
| ۱۰۶-۱۴۷ | فصل چهارم) ایرادهای وارده بر قاعده الواحد و پاسخ حکما به آنها |
| ۱۴۸-۱۵۳ | ..... فهرست منابع این فصل                                     |
| ۱۵۴-۱۹۴ | بخش سوم- موارد کاربردی قاعده الواحد                           |
| ۱۵۵-۱۷۲ | فصل اول- کاربرد قاعده در چگونگی فاعلیت خدا نسبت به جهان هستی  |
| ۱۵۵-۱۵۹ | ..... - مشائیان و نظریه عقول                                  |
| ۱۵۹-۱۶۱ | ..... - بیان خواجه نصیردر مورد کیفیت صدور کثرت از واحد        |
| ۱۶۱-۱۶۲ | ..... - اشراقیان و نظریه انوار                                |
| ۱۶۲-۱۶۵ | ..... - نگاهی به تفاوت‌های موجود بین این دو نظریه             |
| ۱۶۵-۱۶۶ | ..... - صادر اول از نظر مشائیان ، اشراقیان و عرفا             |
| ۱۶۶-۱۶۸ | ..... - نظر ملا صدرا در این مورد                              |
| ۱۶۸-۱۶۹ | ..... - وحدت صادر اول   |
| ۱۷۰-۱۷۲ | ..... فهرست منابع   |
| ۱۷۳-۱۷۶ | فصل دوم- اثبات وحدت عالم                                      |



- فصل سوم - اثبات قاعده امکان اشرف ..... ۱۷۷-۱۸۱
- فصل چهارم - نفی صدور جسم و ظلمت از واجب الوجود ..... ۱۸۲-۱۸۳
- فصل پنجم - اثبات قاعده البسيط لا يمكن ان يكون فاعلاً و قابلاً ..... ۱۸۴-۱۸۷
- فهرست منابع چهار فصل گذشته ..... ۱۸۸-۱۸۹
- فهرست کلی منابعی که در تدوین این رساله از آنها استفاده شده است ..... ۱۹۰-۱۹۴

## مقدمه :

یکی از مسائلی که از دیر باز ذهن حکمای الهی را به خود مشغول داشته است، کیفیت آفرینش موجودات جهان می باشد، حکمای الهی بر این قول متفق اند که عالم صنع خداست، او علة العلال و تنها مؤثر حقیقی می باشد، چنانکه گفته اند (( لا مؤثر فی الوجود الا الله ))، و از طرف دیگر این نکته را هم به اثبات رسانده اند که ذات واجب بسیط حقیقی است و از هر گونه ترکیب و دوگانگی در ذات مبرا است، واحد من جمیع الجهات می باشد و وحدت عین ذات اوست و ساحت او از رنگ تحول، تغییر و جسمیت مبرا می باشد، در یک نگاه سطحی و غیر مستدل به این دو جنبه گمان می رود که سخنان تناقض آمیزی گفته شد، چرا که عالم در نگاه چشمان ظاهر بین ما سراسر کثرت است، عالم ماده هر لحظه در حال تحول و دگرگونی می باشد و انتساب آن به موجود واحد بسیط چگونه امکان پذیر است؟ حتی آن بخش از عالم هستی که از تحول و دگرگونی مبرا است، فاقد کثرت نیست، بنابراین اگر علت و مؤثر واقعی فقط باری تعالی باشد و اگر عالم را منتسب به او بدانیم این سوال به ذهن خطور می کند که چگونه از موجود واحدی که عین وحدت و صرافت است این کثرات سرچشمه گرفته اند؟ این سوال اختصاص به قوم و ملت خاص و مذهب معینی ندارد بلکه برای هر کسی می تواند قابل طرح باشد؛ چنانکه تألیف این رساله نیز در راستای همین امر می باشد. حکمای الهی برای حل این مشکل نظریه صدور یا فیض را طراحی کردند؛ که بر چند اصل اساسی استوار است که از جمله می توان به اصول زیر اشاره کرد:

- ۱- فیض ذاتی وازلی است یعنی جریان فیض دائمی و لا ینقطع می باشد.
- ۲- در جریان صدور ، از موجود واحد، فقط واحد صادر می شود.
- ۳- کثرت با وساطت عقل از واحد صادر می شود؛ به عبارت دیگر مطابق اصل دوم از واحد بدون واسطه و مستقیم فقط واحد صادر می شود ولی با واسطه عقول مجرد، کثرت می تواند از او صادر شود.
- ۴- فاعل ، مفیض وجود است و فاعلیت او مطابق علم وی می باشد.<sup>۱</sup>
- چنانکه ملاحظه می شود این رساله عهده دار تحقیق پیرامون یکی از این اصول می باشد که از آن به قاعده الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، یاد می شود. این قاعده در کتب فلسفی به صورتهای دیگر نیز آمده است چنانکه گفته اند :
- ان الواحد الحقيقي لا یصدر عنه من حیث هو كذلك اکثر من معلول واحد<sup>۲</sup>
- ان البسيط الذي لا ترکیب فيه اصلاً لا یكون عله لشيئين بينهما معية<sup>۳</sup> بالطبع
- ان البسيط من غير تعدد الآلات والقوابل والشرايط لا یصدر عنه امران<sup>۴</sup>
- اللازم القرب لذاتها الاحدية الحققة من كل جهة یمتنع ان یكون الا بسیطاً واحداً<sup>۵</sup>
- شیخ الرئيس این قاعده را در کوتاهترین عبارت بدین صورت بیان کرده است: ان لازم الواحد واحد<sup>۶</sup>
- عموماً فلاسفة اسلامی در مبحث علت و معلول و پس از اثبات لزوم سنخیت و مناسبت بین علت و معلول ، به اثبات این قاعده می پردازند ، زیرا از نتایج اصل سنخیت ، وحدت معلول در صورت وحدت علت است ؛ آنگاه در بخش الهیات بالمعنی الاخص و ذیل بحث افعال باریتعالی از این قاعده برای تبیین نحوه ابداع و فیض او کمک می گیرند. مطابق این قاعده نخستین موجودی که از واجب

هم که آورده بر مبنای اولویت بوده و حکم قطعی نداده است: هو معترف بالعجز عن ادراك ما هو دون ذلك من تفاصيل الامور كما ذكره مراراً من كتابه بل انما ذكر بعد تمهيد بيان صدور الكثرة عن الواحد احتمال ذلك علي سبيل الاولوية فقط<sup>1</sup> و همچنین می گوید: اینکه شیخ گفته است از عقل اول، عقل دیگر و جرمی سماوی صادر می شود)) این حکم بر سبیل وجوب نیست بل علی سبیل الامکان والاحتمال اذ لا دلیل علی ذلك<sup>2</sup>.

ابن سینا هم وقتی نحوه اختلاف صدور عناصر اربعه را بیان می کند می گوید: این بیان ما اجمالی است اما تفصیل این بیان از ادراک او هام خارج است. - يدق عن ادراك الاوهام<sup>3</sup>. ما در این رساله، قاعده الواحد را در سه بخش مورد بررسی قرار دادیم، در بخش نخست از حیث تاریخی به آن نگریسته ایم و هدف از این کار، این است که روشن سازیم پیش از فیلسوفان مسلمان، سابقه ای در نزد فلاسفه داشته است یا نه؟ چنانکه در فصل اول این بخش نشان داده ایم، فلاسفه اسلامی این قاعده را مادیون فلاسفه پیشین می باشند، اما برخلاف بعضی پندارها، مؤسس و مبتکر این قاعده ارسطو یا افلاطون نبوده بلکه آنچه به صورت منسجم و مدون می بینیم در آثار پلوتینوس و پیروان اومی باشد و در جهان اسلام هم باید بین تفسیر ابن رشد از این قاعده با آنچه حکمای دیگر گفته اند تفاوت گذاشت و این نکته را ما در مبحث ابن رشد آورده ایم، دید عرفای اسلامی هم نسبت به این قاعده با فلاسفه تفاوت دارد خصوصاً در مورد صادر اول که به عقیده ابن عربی و پیروان وی، وجود منبسط می باشد نه عقل اول، چنانکه بعدها ملا صدرا سعی کرد بین این دو جمع نماید. در بخش دوم قاعده الواحد را از جهت مفردات، براهین، و ایرادات وارده بر آن، مورد بررسی قرار داده و نشان داده ایم که مجرای قاعده از حیث فاعل و علت، در فاعلیت ایجاد و علت مفیض یا علت حقیقی است و

در نتیجه مقصود واقعی از واحد، واحد به وحدت حقه حقیقه می باشد، در فصل چهارم ایرادها و تشکیکات غزالی و فخر رازی را بصورت مجزا آورده ایم، دلیل این تفکیک هم این است که ایرادهای غزالی توسط ابن رشد پاسخ داده شد و گرچه برخی از این اشکالات همان چیزی است که فخر رازی هم گفته است ولی چون ابن رشد از منظر یک فیلسوف ارسطویی سعی کرد به این ایرادها پاسخ دهد لذا در بیشتر موارد به نحوی سعی دارد با غزالی همنوا شود منتهی از این حیث که غزالی مقصر نیست بلکه آنچه که عامل انحراف وی می باشد برداشت نادرست فارابی و ابن سینا از اندیشه های ارسطوست و به عبارتی دیگر می توان گفت که ابن رشد به زعم خود تلاش کرد تا ایرادها و اشکالات فارابی و بوعلی را برطرف کند. در آخرین بخش این رساله مواردی را که فلاسفه اسلامی برای اثبات آنها از قاعده الواحد کمک گرفته اند، آورده ایم البته کاربرد قاعده فقط در همین موارد منحصر نمی شود و مادر حد تلاش و توان خود این موارد را آورده ایم و ذکر بقیه موارد به تحقیقات بیشتر و فرصتی افزون نیازمند است؛ آنچه مادر اینجا بدانها اشاره کرده ایم از مهمترین موارد کاربردی قاعده الواحد بشمار می روند و حکمای اسلامی نیز در آثار خویش به آنها پرداخته اند.



- ١- سعيد رحيميان - خردنامه صدرآ - شماره ٥٦ و ٥٥ - ص ٥٥.
- ٢- شرح حكمة الاشرآق شهرزوري ص ٣٢٠.
- ٣- اسفار - جلد ٢ - ص ٢٠٤.
- ٤- ايضاح المقاصد في شرح حكمة العين ديبران كاتبي - علامه حلي ص ١١٣.
- ٥- قبسات - ص ٣٦٧.
- ٦- تعليقات ص ٥٤.
- ٧- تهافت الفلاسفه - ص ١٠٦ - ترجمه دكتور علي اصغر حلبى
- ٨- همان - ص ١٣٠.
- ٩- شرح اشارات خواجه - ص ٢٥٣ - جزء سوم.
- ١٠- همان - ص ٢٥٤.
- ١١- همان ص ٢٥٨.

# بخش اول: سیر تاریخی قاعده الواحد

مشمول بر دو فصل:

فصل اول:

پیشینه قاعده قبل از فیلسوفان مسلمان

فصل دوم:

پیشینه قاعده در جهان اسلام